

بسم الله الرحمن الرحيم

## اردوغان و اسلام؛ آیا امکان دارد که اردوغان رهبری امت اسلامی را در دست گیرد؟

(ترجمه)

در این نوشته که محور آن سیاست‌هایی است که اردوغان تطبیق می‌کند، خواستم تا بعضی از سوء تفاهم‌هایی که در اذهان مردم خطور می‌کند را بر طرف کنم؛ مثل این که بعضی از مردم تصور می‌کنند که اردوغان رهبری است که سیاست اسلامی و عثمانی نوین را تطبیق می‌کند، یک‌تعداد که احساسات اسلامی دارند به این مقوله ایمان داشته و از آن حمایت می‌کنند. برخی از ناسیونالیست‌ها و سیکولارها به این باور اند که اردوغان آجدای پنهان اسلامی دارد و به این ترتیب می‌خواهند تا هواداران خویش را علیه وی تحریک کنند. برخی دیگر به این باور اند که اردوغان از گذشته‌های دور، لباس اسلام را از تن بدر کرده و به اهداف اسلامی پای‌بند نیست و به ظاهر سخن‌رانی‌های اسلامی خویش اکتفاء کرده است و هدف برخی از سخن‌رانی‌های آتشین‌اش که آن‌را رنگ و بوی اسلامی می‌دهد، فقط تلاشی در راستای حفظ محبوبیت مردمی‌اش می‌باشد.

در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا از خلال حوادث، با آوردن دلایل ثابت از ماهیت سیاستی که اردوغان تطبیق می‌کند، پردهٔ ابهام را بردارم.

سرزمین ترکیه که در طول چهار قرن از تاریخ، مردان بزرگی از رهبران سیاسی را در تمام عرصه‌ها به جامعه تقدیم می‌نمود، هم‌زمان با فروپاشی خلافت در 3 مارچ 1924م و در طول صد سال پسین، به کم‌بود مردان تاریخ‌ساز دچار شد و ما امروزه شاهد نتایج سنگین این وضع هستیم؛ "سلطان عبدالحمید ثانی" رحمه الله این وضع را چه زیبا تعبیر کرده جایی که گفته بود: «مسئله، مسئله کم‌بود مردان است.» طبعاً که منظور آن، مرد دولت اسلامی است؛ مردی که به عقیدهٔ اسلامی، فکر اسلامی و احساسات اسلامی باورمند بوده و از غرب و تأثیر پذیری از غرب بعید باشد و گرنه مردانی که در عصر ما ویژه‌گی‌های ظاهری حکام و سیاسیون را دارند، در عصر وی رحمه الله زیاد بودند. مگر خلیفهٔ حاذق و صاحب بصیرت از این نوع مردان متنفر بود و نمی‌خواست که ایشان را در میدان سیاسی و دستگاه حکومت ببیند.

پس از فروپاشی خلافت، چنان‌چه پیامبر صلی الله علیه وسلم پیش‌بینی نمودند، طغیان‌گران متکبر و ظالم بر سر امت مسلط شدند و چنان طغیان نمودند که زندان‌های خویش را مملو از مسلمانان نموده و از ملت خویش چنان کشتاری راه انداختند که در تاریخ مثیل ندارد؛ در قبال ملت خویش احساس مسئولیت ننموده با مشت آهنین حکم‌رانی می‌کنند. ترکیه هم از این جمله استثناء نبوده و نصیب خویش را از این ظلم و طغیان برگرفته است و هم‌چنان در طول تاریخ جمهوریت حال حکام چنین بوده است تعداد بی‌شماری از علماء مسلمین اعدام شدند و زندان‌ها از درد مسلمانانی که شکنجه می‌شوند، ناله سر می‌دهند و این تبدیل به کابوسی بی‌رحمانه شده است. مظاهر و ارزش‌های اسلامی را زیر پا و نیرنگ‌هایی را برنامه ریزی کردند که مسلمانان را به شکل مستمر در مقابل هم قرار داده است؛ علی‌رغم این که بعضاً یک‌تعداد از سیاسیون روی کار می‌آیند که از مسائل فوق‌میرا اند؛ ولی عموماً این سیاست در دورهٔ شان دوام می‌کند و اوضاع چنین مستمر بود تا این که اردوغان به حکومت رسید.

وقتی اردوغان وابستگی خویش را به انگلیس قطع کرد و بین ملت خویش به دموکراسی امریکائی که نسبتاً نرم‌تر است، حکم راند، این عمل کرد وی مورد قبول ملت ترکیه قرار گرفت و طبیعتاً که این ردالت امریکا بود و این اجراءات را اردوغان توسط حمایت سیاسی امریکا به‌خاطر کسب رضایت مردم، روی دست گرفت. قبل از آن که وارد ماهیت این اجراءات شوم، می‌خواهم درباره‌ی چگونه‌گی رسیدن اردوغان به قدرت و یا به تعبیری دیگر، این که امریکا وی را چگونه به قدرت رساند، سخن بگویم.

اولین ارتباط اردوغان با امریکا چنانچه "نصوحی گونگور" روزنامه‌نگار نزدیک به اردوغان، در کتاب خود "جریان نوگرا" می‌نویسد، به سال 1984م بر می‌گردد. وقتی که اردوغان رئیس تشکیلات حزب "رفاه" در بخش "بی اوغلو" بود و این دیدار با "مورتون آبرامویتز" سفیر وقت امریکا در ترکیه در محلی که مربوط به حزب قاسم پاشا بود، صورت گرفت. اردوغان نیز این موضوع را تکذیب نکرد. آبرامویتز سفیر امریکا در توصیف اردوغان گفته بود: «اردوغان را صاحب "کراوات" که ظاهری آراسته داشته و خوش سلیقه است، بر "اریکان" ترجیح می‌دهم.» پس از آن اردوغان به‌خاطر "شعری" که در شهر "سیرت" به تاریخ 12 دسامبر 1997م دکلمه کرد، به ده ماه حبس محکوم گردید؛ اما پس از سپری نمودن چهار ماه از حبس، به تاریخ 24 جولای 1999م آزاد شد.

پس از آن ممنوعیت‌های پرداختن به کار سیاسی از وی برداشته شده و به نخست‌وزیری رسید. از آن زمان امریکا همواره اردوغان را یک "ستاره قهرمان" به جهانیان نمایش داده است؛ برای این که از وی فردی نمونه در جهان و مخصوصاً به عام مسلمانان قلمداد شود، بازاریابی شده است و با مظاهر اسلامی یعنی نماز، تلاوت قرآن کریم و حجاب همسرش، توانسته است که در بین میانه‌روان اسلامی، جای پای پیدا کند و به دلیل همین ویژه‌گی‌ها، تعداد زیادی از امت او را دوست داشته و مورد قبول‌شان واقع شده است و در انتخابات اول به اکثریت قاطع آراء، پیروز شد و از همان زمان امریکا این ستاره را رشد داده و فردی نمونه در منطقه معرفی نمود و برنامه‌های خویش را در چاقوب سیاست اسلام معتدل به اجراء گذاشته و موفقیت‌های زیادی هم کسب نموده است.

در همین مورد، اتفاقی افتاد که سروصدای زیادی را در مجمع اقتصاد جهانی که به تاریخ 29 جنوری 2009م در "داووس" برگزار شد، به‌راه انداخت. در آن زمان که رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر بود، روی سخن را با "شیمون پرز" نخست وزیر وقت رژیم یهود کرده و گفت: «تو از من مسن‌تر هستی، صدایت هم خیلی بالا می‌رود. معتقدم که این طور بالا رفتن صدای شما ریشه در يك احساس روانی گناه دارد؛ اما صدای من این طور بالا نخواهد رفت. پای کشتار که وسط بیاید، شما خوب بلدید بکشید. من خوب می‌دانم که شما در سواحل چطور بچه‌ها را هدف می‌گیرید و می‌کشید.»

موج این سخنان در این اجلاس سایه افکنده و در سراسر جهان پخش شده و مورد پسند تمام مسلمانان جهان قرار گرفت حتی مسلمانان در تعداد زیادی از سرزمین‌های اسلامی شعار "خلیفه ما، اردوغان" را سر دادند و مردم فرزندان خود را به اسم وی نام نهادند. نباید از گفته‌ها و قرینه‌هایی که واقعه داووس را فقط یک نمایش‌نامه می‌داند، چشم‌پوشی کرد و حتی این ادعا از طرف نزدیکان حزب عدالت و توسعه صورت گرفته است؛ مثل "استاد دکتور نوزات یالچین تاش" معاون سابق حزب و یکی از مؤسسان حزب عدالت و توسعه.

اگر از این ادعا هم صرف نظر کنیم، اردوغان بعد این حادثه، عقب‌نشینی کرده و صراحتاً برای روزنامه‌نگاران گفت: «گرداننده برنامه که انتظار می‌رفت تا مطابق مقررات سیمینارها و نشست‌های جهانی بی‌طرفی خود را حفظ کند، از حدود خود پا را فراتر گذاشت و تلاش نمود تا جلسه را بدون این که برای اشتراک کنندگان که من هم در بین شان بودم حق مداخله بدهد، جلسه را پایان دهد و چون خواستم سهم بگیرم و سخنانم را ارائه کنم، برایم اجازه داده نشد تا نظریات خویش را ابراز بدارم بر گرداننده اعتراض نمودم و جلسه را که در حال پایان یافتن بود، ترک کردم خواستم تا مخصوصاً این موضوع را توضیح دهم چون ممکن است که هدف بنده از ترک جلسه، تحریف شود.»

علی‌رغم این که اردوغان عقب‌نشینی نمود، بازهم مطبوعات مخصوصاً مطبوعات امریکا، به شکل بسیار گسترده‌ای این موضوع را پوشش دادند و از این موضوع در بالا بردن بلانس محبوبیت مردمی اردوغان استفاده کردند مگر از طرفی دیگر، هنوزهم روابط اردوغان با رژیم غاصب یهود تا امروز در سطح دوست و هم‌پیمان و نه قاتل اطفال، ادامه دارد.

اردوغان از بدو رسیدن به قدرت توانست تا روابطی را که بین دولت و ملت به سردی گرائیده بود، ترمیم کند و پُل‌های بین این دو را از نو، تأسیس کند و بینش مثبت نسبت به دولت را احیاء کند قبل از وی که مردم به طرف دولت به حیث دولتی کفر می‌دیدند، اردوغان بین مسلمانان و دولت آشتی برقرار کرد. به طور مثال، مشکل آموزش و "پوشش" زن که در طول سال‌های متمادی در مشاغل عمومی به چالش و بحرانی بزرگی تبدیل شده بود، با برداشتن ممنوعیت "روسری" زن در دفاتر دولتی، دانشگاه‌ها، مدارس، دفاتر امنیتی و اردو، به این مشکل نقطه‌ای پایان گذاشت، و نیز سخت‌گیری‌های تحمیل شده بر مدارس ائمه و امام جمعه‌ها را برطرف کرد.

به‌رغم این که آن چه را اردوغان انجام داده و انجام می‌دهد، در چارچوب آزادی‌های دموکراتیک است، ولی در حالی که با حرف‌های خویش مردم را جلب توجه کرده، مردم فکر می‌کنند که اجرائتی اسلامی صورت گرفته است. از طرفی دیگر، با تطبیق نظام سرمایه‌داری کفری، کفار استعمارگر را راضی می‌کند. در حالی که از یک طرف یک سلسله از محارم مثل زنا و فحشا را به حال خود باقی گذاشته است، از طرفی هم، سود، بانک‌های سودی و نظام مالی را که بر سود و بانک‌های سودی استوار است، اجرا می‌کند و این سیاست‌های غیراسلامی را به تمام ابعاد جامعه پخش می‌کند. یعنی به نام خشنودی غرب کافر، آن چه را الله سبحانه و تعالی حرام قرار داده است را حلال و حلال الله سبحانه و تعالی را حرام قرار می‌دهد، مثلاً وی مخصوصاً در مورد زنا گفته بود: «این طرح "جواز زنا" را مطابق خواست اتحادیه اروپا و غیره انجام دادیم، مگر در این مورد اشتباه کردیم.»

الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [اسراء: 32]

**ترجمه:** و (با انجام عوامل و انگیزه‌های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است.

در مورد سود می‌فرماید:

﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ [بقره: 279]

**ترجمه:** پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با الله و پیامبرش برخاسته‌اید و اگر توبه کردید (و از رباخواری دست کشیدید و اوامر دین را گردن نهادید) اصل سرمایه‌های‌تان از آن شما است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

به‌رغم دلایل فوق، وی مزده داد تا سپرده‌های ربوی را در سایه بحران اقتصادی برای پرداخت بدهی‌های ربوی، با بدهی‌های ربوی جدید با نرخ پائین‌تر آن، اجراء کند تا این که به گمان خود بتواند رضائیت این قشر مردم را فراهم کند. کاش این تلاش‌ها را به جای تحقق خواسته‌های غرب، در راه خشنودی الله سبحانه و تعالی به کار می‌گرفت. واضح است که روی گردانیدن از اسلام، اطاعت از کافران، ندامت در دنیا و زیان آشکاری در قیامت خواهد بود.

اردوغان در برخی از سیاست‌هایش توانسته موفق باشد؛ مثلاً از بدو رسیدن به ریاست جمهوری از سال 2003م تا سال 2009م اقتصاد ترکیه را رشد دهد و تولیدات ناخالص ملی را ازدیاد بخشد و میانگین حجم اقتصاد با در نظر داشت اقتصاد جهانی از 1.11 درصد به 1.37 درصد برسد.

ترکیه توانسته است که به بهترین شکل با اتحادیه اروپا هم‌رکاب گردد، قرضه‌های خویش از صندوق بین‌المللی پول را پرداخته، به نوعی به ثبات نسبی سیاسی برسد و توان اقتصادی و رفاه اجتماعی آن افزایش یافته؛ مگر دستیابی‌اش به این موفقیت‌ها به فضل حمایت سیاسی و اقتصادی آمریکا بوده است؛ حتی مشاوران اردوغان تحت نام "تأمین انسجام این حمایت"، به کثرت از آمریکا دیدن کرده و از آمریکا می‌خواهند تا با دادن نقش بیش‌تر به اردوغان، از وی استفاده بیش‌تر شود. در این مورد، اظهارات "جنید زابو" مشاور خاص اردوغان نظر انسان را به خود جلب می‌کند؛ در سخنانی که در اندیش‌کده "انترپرایز امریکن" (The American Enterprise) در سال 2006م ایراد نمود، گفت: «از این مرد (اردوغان) استفاده کنید این مرد به خاطر داشتن عقاید خویش در جهان اسلام، جای‌گاه بزرگی دارد و به نمونه دموکراسی غربی باور دارد، به همین دلیل، معتقدم که نباید به انقلاب علیه وی فکر کنید! عرض من این است که وی را به کار بگیرید! خوب است که از وی در این جا و اروپا استفاده کنید.»

ناکامی کامل اردوغان در عرصه‌هایی که قبلاً بیان داشتیم، به مشاهده می‌رسد؛ چنان‌چه قدرت خرید مردم به‌طور فزاینده‌ای کاهش یافته است و هر روز سطح فقر افزایش می‌یابد برعکس، با گذشت هر روز، سطح مراقبت‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. هم‌چنان بانک‌ها با اعطای قروض به مردم و مصادره تمام پس‌اندازهای بده‌کاران، ایشان را به استعمار خود در می‌آوردند بر علاوه، مردم در تمام بخش‌ها، تقریباً به درجه افلاس رسیدند. بر علاوه این همه، با گذشت هر روز اخبار بهره‌کشی از زنان و اطفال در جامعه زیادت‌ر می‌شود. عمر استفاده از مواد مخدر پائین آمده چنان‌چه به سطح مدارس ابتدائی رسیده است و در نتیجه، جامعه به آسیب بزرگ انسانی روبرو شده است و تنها علت‌اش، سیاست و نظام دموکراتیک غربی است که اردوغان در جامعه تطبیق می‌کند.

هم‌چنان با گذشت زمان، فاصله گرفتن از اسلام در بعضی از سیاست‌ها و سخن‌رانی‌های حزب عدالت و توسعه آشکارتر می‌گردد؛ در سخنانی که "بن علی یلدریم" نخست‌وزیر پیشین و رئیس کنونی پارلمان در سال 2014م ایراد کرد، با افتخار گفت: «قبل از این که به قدرت برسیم در شهر "تکیرداغ" دو کارخانه تولید شراب بود، مگر ما این عدد را به 18 کارخانه رساندیم.»

به همین ترتیب، می‌بینیم که "نیهاد زیبکچی" کاندیدای فعلی ریاست شهرداری شهر بزرگ "ازمیر" از حزب عدالت و توسعه، در برنامه‌ای که در تلویزیون "سی ان ان" ترکیه پخش شد، در پاسخ به سوالی که گرداننده برنامه راجع به تولید شراب و دادن جواز به

بعضی از اماکن برای فروش شراب پرسید، گفت: «تا حال با سوالی این چینی روبرو نشدم در گذشته نه در "ازمیر" و نه در "دنیزلی" و نه هم جایی دیگر، به چنین چیزی ضرورت نداشتیم و در هر جا به مردم ارائه می‌شد، در تمام مناطق دنیزلی رستوران‌ها یافت می‌شود که در آن‌ها، به مشتریان شراب می‌دهند. هم‌چنان جواز اکثر این اماکن توسط ما امضاء شده است.» هم‌چنان "زیبکچی" افزود: «در مورد حمایت از تولیدات شراب در "ازمیر" باید بگوییم که این موضوع اهمیت اقتصادی دارد تولید یعنی صنعت و تجارت. این اقتصاد است. در نهایت مفتی نیستیم که هویت و شخصیت دینی داشته باشیم و رئیس امور دینی نیز نیستیم. بنابر این، هرگز برایم اهمیت ندارد و هرگز فتوایی نیز ارائه نمی‌کنم مگر این تولید زراعتی محسوب می‌گردد؛ مثل کاشت زیتون، انجیر و پنبه. هم‌چنان انگور نیز تولیدی است که از تلاش و ریختن عرق کارگران و کشاورزان، ما تولید می‌شود.»

تمام موارد فوق نتیجه سیاست‌هایی است که اردوغان تعقیب می‌کند با آن‌هم، هدف ما جبهه‌گیری علیه شخص اردوغان نیست؛ بلکه نقد ما بر او، به خاطر نظامی است که وی تطبیق می‌کند؛ چون عمل کرد وی اصلاً اسلامی نیست. در طول زمان حکومت‌اش که 16 سال را در بر گرفته است، در یک مورد هم، هرگز عمل کرد اسلامی نداشته است، حتی برعکس، بلکه از سیاستی پیروی نموده است که الله آن‌را حرام قرار داده است، چه در بخش سیاست داخلی و چه هم خارجی و هنوز هم از همین نوع سیاست پیروی می‌کند.

در عین حال که اردوغان کشور ترکیه را بر اساس نظام سیکولاریزم که مبتنی بر جدائی دین از زندگی است، اداره می‌کند، خود و افراد را سکولار ندانسته و از طرفی دیگر با تمام جسارت قائل بر این است که حکومت‌اش سیکولاریستی بوده و این نوع سیاست را به‌شکل پایدار ادامه می‌دهد. در سال 2006م در حالی که اردوغان نخست‌وزیر بود، در "مجمع اقتصاد جهانی خاورمیانه" که همین سال در مصر برگزار شده بود، یکی از روزنامه‌نگاران سوال نمود که: «آیا حزب "عدالت و توسعه" حزبی با رویکرد دینی است؟» اردوغان جواب داده گفت: «ما منتسب به دولت سکولاریست دموکراتیک ایم که دارای قانون اجتماعی است و تمام کارهای خود را در همین چارچوب تنظیم می‌نمائیم؛ اما اگر پرسش شما در مورد وضع شخصی من است، من مسلمانی‌ام که تلاش می‌کنم تا متدین باشم؛ مگر صلاحیت تعیین درجه آن‌را ندارم.» به همین شکل در دیداری که در زمان حکومت‌داری "اخوان المسلمین" در مصر داشت، ایشان را به سکولاریزم فراخواند که حتی مردم مصر و رهبران اخوان المسلمین متحیر گشتند.

اردوغان عقیده دارد که توصیف نمودن حزب عدالت و توسعه و حکومت حزب عدالت و توسعه به متدین و حزب اسلامی، خطای فاحش است؛ چنان‌چه وی در برنامه راهبردی حزب عدالت و توسعه به این موضوع صریح و واضح پرداخته است علاوه بر این، قانون اساسی و سایر قوانینی که اکثر این قوانین و نبود آن از طرف حزب عدالت و توسعه تعدیل شده است، حاوی حتی یک‌بند اسلامی نیست که این به‌خودی خود، برای فهم و دانستن این‌که این حکومت اسلامی نبوده و ارتباطی به اسلام ندارد، کفایت می‌کند. با تذکر این‌که در مورد شخصیت خود اردوغان که یک مسلمان است، بحثی نیست چنان‌چه در این مورد خودش در مصاحبه‌ای که با مجله "نیوزویک" به تاریخ 10 فبروری 2008م، داشت، گفت: «ترکیه به لطف برقراری توازن بین اسلام، دموکراسی، سیکولاریزم و تجددگرایی در کاری موفق شد که همه می‌گفتند امکان نخواهد داشت. حکومت ما توان مسلمان متدین را بر حفظ افکار سیکولاریستی‌اش، ثابت می‌کند. هم‌چنان در غرب همواره به طرف "حزب عدالت و توسعه" طوری اشاره می‌شود که حزب دارای

ریشه‌های اسلامی است و این اشتباه است چون این حزب منحصر به کسانی که متدین اند، نیست بلکه ما حزب ترکی و میانه‌رویم؛ چنانچه ما کاملاً مخالف گرایش ملی نژادپرستانه، ملی وطن‌پرستانه و تعصب دینی بوده و ترکیه با دموکراسی خود، منبع الهام برای سایر جهان اسلام است. احکام دینی تغییری نکرده مگر مواضع دینی ملت ترکیه تغییر کرده است. توسعه شهری ترکیه، ازدیاد ثروت و شکل زندگی درک مختلفی را از زندگی به ارمغان آورده است در گذشته مردم بدیلی نداشتند مگر اکنون "آزادی گزینش" را برای شان فراهم کردیم.»

اردوغان احساس می‌کند که نیاز است تا در تمام دیدارهایش چه در کشورهای اسلامی و چه کشورهای غربی، بر این تأکید کند که حزب شان اسلامی نیست. وی پس از دیدار اش با "بارک اوباما" رئیس جمهور پیشین امریکا در کاخ سفید به تاریخ 8 دسامبر 2009م در سخنرانی که در دانش‌گاه "جان هاپکینز" داشت گفت: «حزب ما به هیچ وجه، حزبی اسلامی نیست به داخل جمهوری ترکیه جریانی به نام "عثمانی جدید" وجود ندارد. این یک نسبتی است که می‌دهند کسانی که این کار را می‌کنند، تلاش دارند تا بر حکومت فعلی سرپوش بگذارند. قصداً روی کرد ترکیه را می‌خواهند تحریف کنند و چنانچه در این اواخر دیده شده، ادعا می‌کنند که روی کرد ترکیه از شرق تا غرب متفاوت است این یک ادعای جفاگونه است. این که ما در سیاست خارجی خود برخی از عادات و سنت‌ها را از بین بردیم، یک حقیقت است. ترکیه همراه تمام همسایه‌گان خویش به صلح به سر می‌برد، در جهان برخی موقف گیری‌های ما متحول و در برخی موارد ثابت است، ترکیه دارای موضع این چنینی است درهای خویش را کاملاً باز می‌گذاریم.» به این ترتیب اردوغان تأکید می‌کند که حزب‌اش غیر اسلامی است.

چنانچه اردوغان در مصاحبه‌ای که همراه روزنامه فرانسوی "لوفیگارو" به تاریخ 7 اپریل 2010م داشت، در باره اهمیت زیاد دیدارش از پاریس گفت: «تعدادی از فرانسوی‌ها درباره عضویت ما در اتحادیه اروپا با دیدی که از گذشته دارند، می‌نگرند بر ماست تا به تغییر این دیدگاه تلاش کنیم.» در پاسخ به این پرسش که آیا شما حزب خود را حزبی میانه‌رو اسلامی قلمداد می‌کنید، گفت: «ما خود را این چنین معرفی نمی‌کنیم؛ احزاب دموکراتیک مسیحی در اروپا نیز موجود اند. من اسلام سیاسی را قبول نمی‌کنم. حزب عدالت و توسعه حزبی اسلامی نیست. ما خود را دموکرات‌های محافظه‌کار می‌پنداریم؛ اگر هم پیمانان اروپائی ما را این چنین ببینند، از طرز دید گذشته شان خود را رها خواهیم ساخت.»

به همین ترتیب در مصاحبه‌ای که اردوغان با شبکه "عربی سعودی" داشت، در پاسخ به این پرسش که آیا شما آرزوی و یا هدف نهائی‌ای مثل تأسیس خلافت دارید؟ گفت: «جهان درگیر تغییر و تحول است و در ضمن این تغییر و تحول، ما به معرفی نظامی پرداختیم که آن را تطبیق می‌کنیم و نیز تحولی که لازم است اکنون عملی شود. در حال حاضر مثلاً ترکیه به طرف همه‌پرسی می‌رود. این همه‌پرسی نظام ریاستی است. در انتخاب نظام ریاستی آن چه را که سوال شما دربر داشت، وجود ندارد یعنی ترکیه در حال حاضر نگران مسئله خلافت و آن چه شبیه آن باشد، نیست.»

اما مهم‌تر از همه، در دیدارهای خود خصوصاً در دیداری که از مصر داشت، از سیکولاریزم دفاع نموده و به حکام و ملت مصر این نظام را پیش‌نهاد نمود تو گوئی که کاری درست است. در پاسخ به این سوالی که: شما می‌توانید به شکلی درست مفاهیم اسلام و سیکولاریزم را با هم جمع کنید و توصیه شما در این مورد به جهان عرب چیست؟ گفت: «من فکر می‌کنم که مشکل است این را

توضیح داد که چرا جهان اسلام تا این اندازه در ساخت این پیوند(سیکولاریزم و اسلام) تأخیر داشته است. وقتی که ما حزب خود را تأسیس نمودیم، سکولاریزم را تعریف کردیم. وقتی آقای "مرسی" رئیس جمهور بود، در اثنای دیدار خویش از مصر، سیمیناری را در ساختمان "اوپرا" در قاهره برگزار کردم در شامگاه این سیمینار سیکولاریزم و ارتباط آن را با اسلام، توضیح دادم. پس در حزبی که تأسیس کردیم تعریف ما از سکولاریزم چیست؟ افراد یک‌باره ای سیکولار نمی‌شوند؛ ولی حکومت چنین شده می‌تواند. در سیکولاریزم دولت در تمام عقاید خود در عین فاصله قرار دارد و زندگی هر شخص را مطابق باورهایش تضمین می‌کند. آیا در این، آن‌چه مخالف اسلام باشد، دیده می‌شود؟ نه، مگر یک‌تعداد همواره تلاش می‌کنند تا این موضوع را به‌طرفی دیگر سوق دهند.»

فرضیه‌ی این که اردوغان شخصیت پنهان اسلامی است-چنان‌چه بعضی‌ها به این باور اند- با مستندات فوق منتفی می‌شود. برعکس، کارنامه‌ی اردوغان پُر از افکار و احکام غیر اسلامی است؛ مثل سیکولاریزم، دموکراسی، آزادی‌ها، ملیت‌گرایی و وطن‌پرستی. مگر اردوغان سیاست‌مداری نهایت آگاه و ماهر است؛ چون تمام کارهای خود را لباس اسلامی می‌پوشد. از بارزترین ویژه‌گی‌های وی این است که تا اندازه‌ای دارای دیدگاه پراگماتیک و "ماکیاولی" است و توان آن‌را دارد تا از تحولات بزرگ، به نفع منافع خویش کار بگیرد؛ مخصوصاً این که مشاوران وی می‌دانند که چگونه جامعه را مهندسی کنند و گفتار و کردار اردوغان و حکومت‌اش را بر اساس نظرسنجی‌هایی که اجراء می‌گردد، ترتیب می‌کنند و مقوله‌اش "اگر ایجاب کند، می‌توانم لباس‌های پاپ را بپوشم" که در زمان تصدی شهرداری شهر بزرگ استانبول گفته بود، دلالت بر این می‌کند که روش سیاسی منفعتی وی از همان ابتداء شکل گرفته بود. طبیعتاً حمایت رسانه‌ها که برای خدمت به وی گماشته شده اند را نباید فراموش کرد؛ چنان‌چه رسانه‌ها همواره اموری را پوشش می‌دهند که به‌خدمت منافع اردوغان گرفته شده است و در مقابل، اموری که ممکن است دیدگاه منفی از وی ایجاد کند، از دید عموم مخفی نگه‌داشته می‌شود، رسانه‌ها نقش بسیار مهمی را بازی می‌کنند؛ چنان‌چه همین رسانه‌ها در گذشته باعث شده تا یک‌عده از حکومت‌ها در ترکیه فروپاشد چنان‌چه "دنیز بایکال" رهبر حزب جمهوری خواه خلق با پخش ویدئویی که به‌شکل پنهانی ثبت شده بود، سبب شد که استعفاء دهد. هم‌چنان ویدئوهای مشابه منجر به استعفاءی مدیران ارشد حزب "جنبش ملی" از مناصب شان شد. هم‌چنان اکثر رسانه‌های مخالف اردوغان، در نتیجه فشارهایی که متوجه شان بود، مجبور شدند تا تعطیل، فروخته و یا هم‌آن‌عده از کارمندان خویش که مخالف دولت بودند را، برکنار کنند و اکنون رسانه‌هایی که از خود به اصطلاح شجاعت به‌خرج داده و برعلیه اردوغان سخن می‌رانند، انگشت شمار اند.

به‌فضل حمایت رسانه‌ها از اردوغان وی قادر است تا با آزادی در هرجا و از هر موضوعی که خواسته باشد، سخن براند. با این‌هم، زیاد دوست ندارد که واژه‌های اسلامی را در کارهای سیاسی خود استفاده کند؛ حتی جوانانی که در نشست‌های قرآن کریم تلاوت می‌کردند را ساکت کرده و از ایشان می‌خواهد که قرآن را بالای گورستان تلاوت کنند؛ مثلاً وقتی در کنفرانس ولایت/استان "گیرسون" که در مارچ 2018م برگزار شده بود و جمعی از جوانان که آیتی از سوره آل عمران را باهم تلاوت می‌نمودند، تلاوت شان را قطع نموده و گفت: «این امر را به من واگذار کنید، ان شاء الله آن‌را در گورستان بخوانید؛ اما در نشست‌های سیاسی آن‌را به ما بگذارید. باید بدانیم چه بخوانیم و کجا بخوانیم. بر ما اعتماد کنید این کار را به‌ما بگذارید، درست است؟ تا این که خوب بدانیم که چگونه به این جا رسیدیم. آیا ما در مقبره‌ای قرار داریم یا مسجد؟ یا در نشستی سیاسی؟ باید تفکیک قائل شویم. برماست تا تفکیک این را نیز بدانیم؟»

بلی! چنانچه یک‌عده می‌پندارند، متأسفانه عمل کرد های اردوغان، به‌خاطر مردم مسلمان نیست؛ بلکه برعکس، به‌خاطر کسب رضائیت، خوشنودی و تثبیت نفوذ سیاسی امریکاست؛ کشوری که این قدرت را مرهون وی است. این در حالی است که احدی به‌جز الله سبحانه و تعالی مستحق نیست که برای رضائیت‌اش تلاش شود؛ اما اردوغان از این مفاهیم کاملاً به‌دور است و تا امروز عمل کرد اش این چنین بوده است.

اردوغان با حمایت مردم مسلمان ترکیه چندین فرصت داشت تا بتواند رضائیت الله سبحانه و تعالی و مسلمانان را به‌دست آرد؛ مخصوصاً در انقلاب نافرجام 15 جولای. با حمایت مسلمانانی که در برابر اسلحه، تانگ و طیارات/جنگنده‌ها سینه را سپر کرده و جان‌های خود را فدای اسلام نمودند. وی فرصت داشت با حمایت مردم که برای دفاع از اسلام خود را فدا کردند، زنجیر ذلت کفار استعمارگر را درهم شکسته و برای عزت اسلام و مسلمانان تلاش کند.

در حالی که فرصت داشت که در صبح 16 جولای انقلابی اسلامی را اعلام کند؛ مگر این کار را نکرده و تلاش نمود تا نصرت اسلام را نصرت دموکراسی قلمداد کند؛ چنانچه کسانی را که جان‌شان را به‌خاطر اسلام فدا نمودند، ایشان را شهدای دموکراسی خواند! و به این ترتیب، نام‌شان را بد نمود.

تمام موارد فوق به این اشاره دارد که اردوغان در نظام سیاسی به‌جای اولویت دادن به اسلام، به دموکراسی اولویت می‌دهد هرچند که این مسئله را عملاً نپذیرد و اسلامی که هدف وی است، "اسلام میانه‌رو" است؛ اسلامی که غرب به وی دیکته می‌کند. جز این چه خواهد بود؟ مگر برداشت وی از اسلام این نبوده که فقط اسلام عبارت است از عبادات، بدون مداخله آن در زندگی، سیاست، جامعه و حکومت تا فقط در زندگی فردی و مخصوص افراد داخل شده و در زندگی جمعی‌شان هیچ‌گونه بازتابی نداشته باشد، موازی با ارزش‌ها غربی مثل دموکراسی و سیکولاریزم باشد؟ بلی، دقیقاً برداشت اردوغان از اسلام همین است و در عین زمان معنی تحریف شده "اسلام میانه‌رو" همین است.

عمل کرد وی در مسائل متعلق به سیاست داخلی نیز به‌همین منوال است و وی همین روش را در سیاست خارجی خود تعقیب می‌کند و مطلقاً به اندازه تارموئی از خطوط سیاست خارجی امریکا - که قدرت خویش را مدیون آن است - برایش ترسیم، پلان و درخواست نمود، خارج نشده است و اولین آثار آن را قبل از اشغال عراق در 1 مارچ 2003م شاهد بودیم؛ چون ترکیه به مطالبه امریکا مبنی بر مطالبه به‌کارگیری زمین و هوای ترکیه در عملیاتی که در شمال عراق راه اندازی شده بود، لیبیک گفت و تصمیم این عمل شوم در جلسه سری که در 1 مارچ 2003م در پالمان با همین محوریت منعقد گردیده بود، گرفته شد پس از گذشت 13 سال در جواب به خبرنگاری در این مورد گفت: «من حامی اجازه 1 مارچ بودم و مخالفان آن را تأیید نکردند در آن زمان "بوش" مرا امیدوار کرد؛ مگر متأسفانه به‌دلیل اشتباه دوستان خود، تنها ماندیم. اگر اجازه یک مارچ تطبیق می‌شد، ترکیه عضویت را داشت دیدن دوردست‌ها، بسیار مهم است.»

چنانچه می‌بینیم، از همان ابتدا، اردوغان و حکومت‌اش در تعقیب کردن خط سیری که امریکا در سیاست خارجی برایشان تعیین نمود، حریص بودند و پرواضح است که اُفق ترسیم شده برای ترکیه، همان اُفق امریکاست. مثال زنده امروزی بر این ادعا، شهدای



ما در سوریه و سایر سرزمین‌های اسلامی است. این در حالی است که اردوغان به درخواست امریکا اردوی ترکیه را خارج از مرزهای این کشور، به کشورهای متعدد می‌فرستد؛ مثلاً تقریباً بیش از 50000 سرباز ترکی در سوریه، عراق، قطر، سومالیا، بوسنی و هرزگوینا، کوزوو، آلبانی، لبنان، افغانستان و جمهوری ترک قبرس شمالی گماشته شده اند و وجودشان در این کشورها فقط به خاطر تأمین منافع امریکای کافر استعمارگر است. اگر قضیه برعکس می‌بود، به هیچ‌وجه ریختن خون مسلمانان آن‌هم به این سادگی، امکان پذیر نبود. در حالی که شایسته است که این اردو به کشورهای دیگر به خاطر حمایت از آبرو و مقدسات مسلمانان گسیل شود، متأسفانه برای حمایت از منافع کافر استعمارگر ارسال می‌گردد.

بسیار دردآور است که در بعضی از سرزمین‌های اسلامی اردوغان را دشمن امریکا می‌پندارند؛ چنان‌چه این بازی توسط تعدادی از دوایر و رسانه‌ها اداره می‌شود؛ اگر چنان‌چه بعضی فکر کنند می‌بود و اگر اردوغان دشمن امریکا بوده و با این کشور در حالت جنگ قرار می‌داشت، نباید در کنار هم‌پیمان سابق خود امریکا می‌بود؛ بلکه در عراق و سوریه و یک‌عدد از کشورهای دیگر اسلامی، باید با وی می‌جنگید و در صف ائتلاف غربی موقوف نگرفته؛ بلکه در صف مسلمانان می‌ایستاد و عزت و بزرگی را در کنار "دوستان و هم‌پیمانان" خود امریکا و غرب جستجو نکرده بلکه بر عکس در کنار الله سبحانه و تعالی، رسولش و مؤمنان، جستجو می‌کرد.

﴿ **وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ** ﴾ [منافقون: 8]

**ترجمه:** عزت و قدرت از آن الله و فرستاده او و مؤمنان است.

مگر اردوغان کاملاً برعکس عمل می‌کند. در منطقه جنگ کثیفی را به‌نمایش می‌گذارد و اسم امریکا شروع کرده است و امریکا را از غرق شدن در جنگ سوریه نجات داده و برای امریکا و نظام ستم‌گر سوریه آب حیات را تقدیم نمود. در گذشته و حال از تمام امکانات خود برای شکست انقلاب مبارک سوریه کار گرفته است. در آغاز انقلاب و زمانی که مسلمانان آن دیار، ندای کمک را سر می‌دادند، اردوغان گوش‌های خود را پنبه زده و ایشان را به‌حال خودشان رها نمود این در حالی بود که اردوغان با اردو و قدرت کافی که در اختیار دارد می‌توانست به 24 ساعت کار نظام "اسد" را یک‌سره کند؛ چنان‌چه تقریباً 20 سال قبل در سپتامبر 1998م، قبل از این که اردوغان قدرت را به‌دست گرفته و قبل از این که اردوی ترکیه این قدر قوی باشد، رهبر نیروهای زمینی وقت "جنرال آتیلا آتش" خواستار اخراج "عبدالله اوجلان" از سوریه گردید و نظام "حافظ اسد" را هشدار داده گفته بود: «صبر ما تمام شده است.» همین هشدار باعث شد تا حافظ اسد، عبدالله اوجلان را از سوریه طرد نماید.

هم‌چنان بیش‌ترین ضربه را به انقلاب سوریه وارد کرد که در بین آن عملیات "سپر فرات" بود. هرچند در ظاهر هدف از راه‌اندازی "سپر فرات" مقابله با تروریسم گفته شد؛ ولی به سبب آن در بین صفوف انقلابیون شگاف ایجاد شده و از هم متفرق شدند و بدین‌گونه شهر "حلب" به نظام اسد تسلیم داده شد و امروز نیز عین سیاست را در شهر "ادلب" تعقیب می‌شود.

قبلاً در زمانی نه چندان دور، اردوغان بشار اسد را ستم‌گر، قاتل مردم و تروریست گفته بود و طبق عادت‌اش از این گفته خویشتن عقب‌نشینی کرده و احتمال دیدار با این نظام را رد نکرد؛ نظامی که حتی تا دیروز آن‌را دشمن خود تلقی می‌نمود. در مصاحبه‌ای که اردوغان به تاریخ 3 فروری 2019م با تلویزیون رسمی دولتی ترکیه "TRT" داشت از هم‌کاری بخش‌های اطلاعات سیاست خارجه

در سطح پائین با سوریه خبر داده گفت: «اگر بین رهبران گفتگویی دست نداده است؛ مگر کارهای دوجانبه بین بخش‌های اطلاعات به پیش می‌رود؛ هرچند که سازمان‌های اطلاعات روی کرد رهبران را انعکاس نمی‌دهند. اگر با هم توافق نکنند، ما هم با هم توافق نخواهیم کرد. در موارد زیادی امکان دارد که رهبران از خط سیر اصلی خارج شوند و بخش‌های اطلاعات می‌توانند از آن استفاده کنند.»

به این ترتیب، تمام گام‌های سیاسی و نظامی‌ای که اردوغان در مورد سوریه برمی‌دارد، در جهت منافع و مصالح امریکا است. طبعاً این امر فقط منحصر در سوریه نیست، همین دور زدن در سیاست خارجی در مورد مسئله فلسطین واضح‌تر هم است آن‌جا که گفته بود: «قدس خط سرخ ماست.»

در حادثه کشتی "مامی مرمره" که از ترکیه به منظور درهم شکستن محاصره اقتصادی که رژیم یهود بر غزه وضع کرده بود، به طرف غزه در حرکت بود و پس از کشتار مسلمانان توسط اردوی یهود، اردوغان برای توصیف رژیم یهود از عبارات "تروریست" و "خون‌ریز" استفاده نمود و در همان زمان اعلام نمود که تمام روابط تجاری و سیاسی خود را با رژیم یهود قطع می‌کند؛ ولی بر اساس عادات‌اش، از این رفتار و گفتار خویش عقب‌نشینی کرده و بر عکس واکنش اولی، به سرکوب کردن سازمان‌هایی که سفر کشتی "مامی مرمره" را تنظیم کرده بودند، پرداخت چنان‌چه پس از دیداری که با "پوتین" رئیس جمهوری روسیه در سال 2016م در محل اجتماع ریاست جمهوری داشت، اظهارات صریح‌تری مبنی بر بهبود بخشیدن به روابط همراه رژیم یهود پس از تیره شدن اش به‌خاطر حمله بر "کشتی مامی مرمره" ایراد داشت؛ چنان‌چه گفته بود: «شما از ترکیه کمک‌های انسان دوستانه تهیه نموده و از خاک آن، به طرف غزه حرکت می‌کنید آیا از نخست وزیر وقت اجازه این کار را گرفتید؟ اصلاً ما همواره کمک‌های لازم را به غزه و فلسطین می‌رسانیم. این کار را می‌کنیم نه به‌خاطر این که قدرت خویش را به نمایش بگذاریم؛ بلکه این عمل را بر اساس دیپلوماسی انجام داده و می‌دهیم. چنان‌چه در دیپلوماسی جهانی این کار رایج است و به همین ترتیب در آینده نیز این کار را خواهیم کرد. این کار را با نواختن "طبل جنگ" انجام نداده بلکه با ادب و اخلاق خویش انجام می‌دهیم و این چنین ادامه خواهیم داد.» پس از آن، مسئله پرداخت غرامت به فامیل‌های قربانیان به فراموشی سپرده شد و روابط دو کشور، مجدداً به حالت عادی بازگشت.

عمل مضحک اردوغان در این مسئله، بالا رفتن حجم داد و ستدهای تجاری/بازرگانی بین ترکیه و رژیم یهود است؛ آن‌هم در زمانی که اردوغان ادعا می‌نمود که روابط بین این دو کشور بد است. چنان‌چه اردوغان به بلند رفتن حجم مرادات تجاری به میزان 14 درصد در یک سال بین ترکیه و کشوری که "حکومت اشغال و ترور" نامیده می‌شود، خبر داد. علاوه بر این، در سال 2002م که حزب عدالت و توسعه در ترکیه قدرت را در دست گرفت، حجم مبادلات تجاری/بازرگانی بین رژیم یهود و ترکیه بالغ بر 1.4 میلیارد دالر بود و اکنون این رقم به 4.9 میلیارد دالر رسیده است. مخصوصاً این که روابط نظامی به شکل همیشه‌گی آن حفظ شده است و خلبانان رژیم یهود آموزش خود را در ترکیه سپری می‌کنند.

هم‌چنان از مظاهر سیاست خارجی ترکیه که مشهود نیز است، عدم اهمیت دادن اش به خون مسلمان‌هاست در روابطی که همراه روسیه و چین دارد چون روسیه، خون مسلمانان را در "قفقاز"، سوریه و آسیای میانه ریختانده و چین خون مسلمانان را در ترکستان شرقی می‌ریزند. به‌خاطر این که سخن به درازا نکشد، به همین قدر از خیانت‌های اردوغان اکتفاء می‌کنیم.

در نتیجه، متأسفانه نه در سیاستی که اردوغان تعقیب می کند و نه در سلوک وی، اسلام جای دارد و در عوض آن، منافع کشورهای استعمارگر غربی جای گرفته است. مگر امت اسلامی به خاطر عطشی که به رهبریت، رهبری مسلمان و غیور دارد، به هیجان آمده و امید بسیار به اردوغان بسته است؛ یک‌عده از مسلمانان دل به اردوغان بسته اند. به امید این که ایشان را به روزهای شکوه‌مندشان برساند؛ مگر وی این فرصت را از دست داده و این شرف بزرگ را پشت پا زده است. در عوض این که بهترین دینی که الله سبحانه و تعالی بر ما نازل کرده و آن اسلام است را، در زندگی تطبیق کند، به سمت و سوی "اسلام معتدل" که طرح غرب است، تمایل پیدا دارد. با این عمل کرد خویش شاید نزد غرب اعتباری کسب کرده باشد؛ مگر نزد امت اسلامی اعتبار خویش را از دست داده است. با کشف آن چه در پشت پرده قرار داشت و ظاهر شدن هویت و چهره واقعی وی، دل‌هایی که مالمال از محبت اردوغان بود، حال مملو از نفرت وی شده است. اردوغان از پیشینیان خویش قدرت را به دست گرفت و به خاطر کسب رضایت کفار استعمارگر، ایستادن در صف کسانی که دنیا و آخرتشان را زیان نمودند را ترجیح داد. واحسرتا! چه بد انتخاب و چه بد زبانی.

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا \* الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ {كهف: 103 و

{104}

**ترجمه:** (ای پیامبر! به کافران) بگو: آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه سازم؟ آنان کسانی اند که تلاش و تکاپوی‌شان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می‌رود (و بیسود می‌شود) و خود گمان می‌برند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند.

مگر فرزندان مخلص امت باید بدانند که الله سبحانه و تعالی خود مالک دین و دعوت است و هرگز مؤمنان را ضایع نخواهد کرد و نصرت خویش را وقتی شامل این امت می‌کند که امت به آن احساس نیاز کرده و از همه کس، به جز وی سبحانه و تعالی مأیوس گردد. مسلماً که حالت موجود برای ما امتحان است.

پس از فروپاشی خلافت تا امروز، هر آن کسانی را که امت اسلامی به ایشان اعتماد کرده و در ایشان خوبی می‌دید و با امیدواری از وی حمایت می‌نمود، چه دیر و چه زود، الله سبحانه و تعالی نقاب از چهره‌های واقعی‌شان برداشته است؛ اعم از حکام در مصر، عراق، سوریه، فلسطین، خلیج، پاکستان، مالیزیا، سودان، یمن، ایران و آسیای میانه. هیچ رئیس جمهوری به‌شمول اردوغان باقی‌نمانده است که امت اسلامی به آن اعتماد داشته باشد و در عین زمان اردوغان محبوبیت مردمی خویش را نیز بیش از پیش از دست داده است. بوی بد فساد نظام‌هایی که در سیاست داخلی، خارجی، اقتصاد، اردو، قضاء/دادگستری و تعلیم و تربیه/آموزش و پرورش همه‌جا را فرا گرفته است چنانچه امت اسلامی متیقن گردیده است که هیچ مبدءاً، حکم و راه‌حلی به‌جز اسلام وجود ندارد و به همین دلیل هم به خاطر نصرت اسلام به‌پا خاسته و الله سبحانه و تعالی نیز این امت را نصرت خواهد کرد و این کار بر او سبحانه و تعالی دشوار نخواهد بود.

﴿...وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ {شعراء: 227}

**ترجمه:** و کسانی که ستم می‌کنند، خواهند دانست که بازگشت‌شان به کجا و سرنوشت‌شان چگونه است!!

نویسنده: یلماز شیلک

مترجم: اسماعیل نصرت